

چگونه مسجد جامع کرمان را به آتش کشیدند

روز 24 مهر 1357 که حدود 20 هزار نفر از مردم مسلمان کرمان به منظور بزرگداشت اربعین شهدای 17 شهریور تهران و اولین سالگرد شهادت آیه‌الله حاج سیدمصطفی خمینی، به دعوت علما و روحانیون کرمان...



روز 24 مهر 1357 که حدود 20 هزار نفر از مردم مسلمان کرمان به منظور بزرگداشت اربعین شهدای 17 شهریور تهران و اولین سالگرد شهادت آیه‌الله حاج سیدمصطفی خمینی، به دعوت علما و روحانیون کرمان در مسجد جامع اجتماع کرده بودند و بازار و کلیه مغازه‌ها تعطیل بود، ناگهان حدود 300 نفر ظاهراً از ساکنین زاغه‌نشین که به کولی‌ها معروف هستند، با در دست داشتن چوب و میله آهنی و دادن شعار «جاوید شاه» از چند خیابان شهر عبور و در ساعت 11:30 در حالی که یکی از روحانیون مشغول سخنرانی بود، به مسجد حمله کردند.

ابتدا دوچرخه‌ها و موتورهای مردم را به آتش کشیدند که عده‌ای از مردم داخل مسجد به طرف آنها به راه افتادند. در همین هنگام پلیس به حمایت از آنان به طرف مردم تیراندازی کرد و مردم ناچار به داخل مسجد بازگشتند. عده‌ای از مهاجمان با شعار «جاوید شاه» به پشت بام مسجد رفته و با کندن آجر و پرتاب آنها، جمعیت را مورد حمله قرار دادند. مردم درهای شبستان را برای جلوگیری از ورود آنها بستند. طولی نکشید که گازهای خفه‌کننده‌ای فضا را پر کرد، درهای شبستان شکسته شد و کولی‌ها با چماق و چوب و میله آهنی، به جان مردم افتادند. عده‌ای از مردم و روحانیون مجروح شدند. آیه‌الله صالحی کرمانی و آیه‌الله رخشاد نجفی نیز در اثر پخش گاز بیهوش شدند و مردم آنان را روی دست از مسجد خارج کردند.

قسمتی از وسایل و ساختمان مسجد به آتش کشیده شد و قرآن‌های داخل مسجد هم سوخته شد. سپس مهاجمان در میدان فابریک اجتماع کردند و در حالی که شعارهایی به نفع رژیم می‌دادند از چندین خیابان گذشته و در جلوی مسجد صفا پس از تظاهرات کوتاهی، مجدداً به طرف میدان مشتاقیه آمده و از دو طرف به مسجد جامع حمله کردند. آنگاه به طرف میدان ارک رفتند و سه فروشگاه بزرگ را که میلیونها تومان اتومبیل و دوچرخه و موتورسیکلت در آنها بود به آتش کشیدند و این در حالی بود که اتومبیل‌های آتش‌نشانی پشت سر آنها حرکت می‌کرد. سپس وارد بازار شده و مغازه‌هایی را که متعلق به معتمدین شهر بود غارت کردند. بطور کلی اهداف مهاجمان از قبل مشخص بود. آنها مغازه‌هایی را مورد حمله قرار می‌دادند که متعلق به متدینین بود، و یا تصویرهایی از امام رحمة‌الله را پشت شیشه‌های مغازه خود نصب کرده بودند. هدف رژیم از ایجاد این بلوا، بر هم زدن اجتماع بزرگ مردم مسلمان و ایجاد رعب و وحشت، آن هم به اسم مردم بود. در این میان محمدجواد کازرونی که خود در صحنه حضور داشت و مورد ضرب و شتم هواداران دولت قرار گرفته و سپس بر اثر اصابت گلوله مجروح شد، در مورد وقایع امروز کرمان می‌گوید:

ساعت 10:5 صبح، شبستان مسجد کاملاً پر شده بود. در این ساعت یکی از دبیران آموزش و پرورش چند دقیقه‌ای سخنرانی کرد و بعد از او یکی از روحانیون به منبر رفت و ضمن عرض تسلیت به مناسبت چهلم شهدای میدان ژاله تهران به وعظ و خطابه پرداخت و مردم با سکوت به سخنان او گوش می‌دادند، ساعت حدود 11 بود که یکی از دوستان گفت به نظر می‌رسد اطراف مسجد خبرهایی باشد فوراً از شبستان خارج شده و به محوطه بیرونی مسجد که حدود 50 متر با فلکه فاصله داشت رفتیم و با کمال تعجب مشاهده کردم بالای پله‌ها روی فلکه، عده‌ای در حالی که هر کدام یک چماق و بعضیها میله آهنی و گروهی عکسهای شاه را در دست دارند ایستاده و تعدادی دوچرخه و موتورسیکلت در حال سوختن است. در همین حال چشمم به روی پشت‌بام مسجد افتاد که چندین مأمور اسلحه به دست آنجا کمین کرده بودند. با سرعت خود را به شبستان رسانده و مردم را در جریان امر قرار دادم.

در همین هنگام بلندگو و برق مسجد به وسیله مأمورین قطع شد و دیگر سخنران نتوانست به صحبت خود ادامه دهد، جوانها به محیط مسجد آمدند و زن‌ها و بچه‌ها هم سعی می‌کردند از دری که به خیابان ختم می‌شد خارج شوند اما پس از چند دقیقه‌ای متوجه شدیم که دیر شده و مسجد از چهار طرف در محاصره کامل چماق به دستان و مأموران قرار دارد. مردم با این امید که حمله‌کنندگان به احترام خانه خدا وارد مسجد نخواهند شد، دربهای ورودی به حیاط مسجد را بستند و این در حالی بود که تمامی وسایط نقلیه شرکت‌کنندگان به آتش کشیده شده بود. چند دقیقه بعد، مأمورین از پشت‌بام مسجد شروع به تیراندازی و پرتاب گاز اشک‌آور به داخل حیاط مسجد کردند و جمعیت به ناچار به درون شبستان پناه آورد و چند دقیقه بعد دربهای بسته شده مسجد به وسیله چماق به دستان و مأمورین به آتش کشیده شد و به داخل حیاط هجوم آوردند و به دنبال آن حیاط مسجد یکپارچه دود و آتش شد و موتورها و دوچرخه‌های داخل حیاط مسجد نیز به آتش کشیده شد مأمورین با پرتاب گاز اشک‌آور و مواد آتش‌زا حمله به شبستان را آغاز کردند و در کمتر از چند دقیقه آنجا یکپارچه آتش و دود و گاز اشک‌آور بود و صدای تیراندازی لحظه‌ای قطع نمی‌شد، فریاد «الله اکبر» و «وامحمد!» به حد اعلائی خود رسیده بود.

تعدادی به حال اغماء افتاده و عده‌ای شهادتین می‌گفتند. از آنجا که تنها راه فرار این جمعیت چند هزار نفری، شکستن حلقه محاصره بود، جوانها و مردهایی که هنوز رمقی برایشان باقی مانده بود با فریاد الله‌اکبر به درهای خروجی شبستان حمله کرده و

ضمن عقب راندن چماقداران، خود را به حیاط مسجد رساندند و درگیری نزدیک بین مردم و حمله‌کنندگان در حیاط مسجد آغاز شد و این فرصتی بود تا عده زیادی از مردم بتوانند خود را نجات دهند. و البته کمتر کسی بود که تا خارج شدن از مسجد چند ضربه چماق نخورد. آتش از حیات و شبستان مسجد شعله می‌کشید و فرش، کتابها و قرآنهاى مسجد در میان آتش می‌سوخت. وارد خیابان شدم، چند مأمور از پشت‌بام مسجد به طرف مردم تیراندازی می‌کردند در یک لحظه مردی حدود چهل ساله به نام محمد مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در دم جان سپرد. در خیابان تمامی اتومبیل‌های پارک شده به وسیله حمله‌کنندگان خرد و یا به آتش کشیده شده بود. ساعت 3 بعدازظهر هنوز درگیریهای پراکنده بین مأمورین و مردم ادامه داشت و مأموران و چماق به دستان در اطراف مسجد تجمع کرده بودند. آنها از مسیر خیابانها دستجمعی عبور کرده و تمامی مغازه‌هایی که عکس امام را روی شیشه خود نصب کرده بودند، تخریب نموده و چندین فروشگاه بزرگ را در خیابان و بازار کرمان به آتش کشیده و اموالشان را به سرقت بردند و تا پاسی از شب در خیابان به رقص و پایکوبی پرداختند...»

منبع: روزشمار انقلاب اسلامی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ج 6 روزها و رویدادها، انتشارات پیام مهری.